

چند ساعت در شیراز

طی یک سفر 8 روزه 18 ساعت هم در شیراز بودم
6 ساعت آن به خواب گذشت و ساعتی به زیارت شاهچراغ و قسمتی به دیدار اقوام و
دوستان عزیزم
چند ساعتی کار حقوقی و مالی که دیگران هم می توانستند انجام بدهند ولی خودم انجام دادم

اما هدف اصلی من از سفر به شیراز دیدن یک زن بود!
مادر همسرم، که دیگر من را نمی شناسد، هیچکس را نمی شناسد!!!
اما من او را خوب می شناسم، زنی مهربان و دوست داشتنی، که عاشقانه عمر خود را نه
فقط به پای همسر و فرزندان، که چون خورشیدی به پای همه، غریب و آشنا ریخته است
و چه نام با مسمایی دارد: محترم



دوست داشتم ببینمش و رفتم و دیدمش، پرسید کی هستی و کجا زندگی می کنی؟
به شوخی گفتم آواره ای از کویر کرمان هستم و جایی برای زندگی ندارم
گفت بیا با ما زندگی کن، همه چیز برایت فراهم خواهد بود
فهمیدم آلزایمر ذات انسانها را تغییر نمی دهد



امیدوارم در این فراموشی عمیق و رنج اطرافیان، حال خودش خوب باشد

همه ما در آغوش مرگ زندگی می کنیم، نه لحظه رفتن من معلوم است و نه مال او
بنابراین باید دیداری را نرفته و کلامی را نگفته برای حسرت خوردن باقی نگذارم
دیگران بردند حسرت زین جهان حسرتی بنهیم در جان جهان
با جهان بی وفا ما آن کنیم هر چه او کردست با آن دیگران

و اما مگر می شود شیراز بروی و به سعدی سلامی نکنی و با او غزلی از عشق نخوانی و
پندی را آویزه گوش نسازی



شجریان می خواند:

خوشتتر از دوران عشق ایام نیست عشق را آغاز هست، انجام نیست
مستی از من پرس و شور عاشقی و آن کجا داند که درد آشام نیست
باد صبح و خاک شیراز آتش نیست هر که را در وی گرفت آرام نیست

و مگر می شود به دیدار حافظ نروی وبا او عاشقانه ای زمزمه نکنی وفالی نگیری



و فال گرفتم:

دل بی تو به جان آمد وقت است که بازایی
لطف آنچه تو اندیشی، حکم آنچه تو فرمایی
تا حل کنم این مشکل در ساغر مینایی

ای پادشه خوبان داد از غم تنهایی
در دایره قسمت ما نقطه تسلیمیم
زین دایره مینا خونین جگر می ده

و نمی شود به پاسارگاد نروی و در مقابل کورش بزرگ سر فرود نیاوری وبه داریوش
فکر نکنی



ما نداشته زیاد داریم، میدانم، خصوصا در این زمانه حاکم بودن نابخردی بر جهان و خصوصا بر ایران

اگر نداشته هایمان را لیست کنم مثنوی هفتاد من می شود

اما داشته های زیادی هم داریم

بدون اغراق و ایرانی بازی در آوردن، فردوسی، سعدی، حافظ، خیام و مولانا در جهان بی نظیر هستند. با ایمان کامل می گویم مشابه ندارند.

و کورش و داریوش در سیاست، پادشاهی هوشمندانه، توسعه محور و عدالت گستر کم نظیر هستند.

ما اغلب به نداشته ها توجه می کنیم

به داشته ها بیندیشیم

آنها همیشه در همه زمان ها، خصوصا در زمان تاریکی چراغ های راهنمای خوبی هستند.

آنها نخهای محکمی هستند که ما را به امید، زندگی و آینده پیوند می دهند.

محمد جواد فاطمی

شهریور 1405